



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان با توفیق پروردگار در ولایت فقیه بود، اساساً مسئله ابتکار و نوآوری در عرصه ی علم و تحقیق بسیار مهم است و علماء بزرگ ما با همین ابتکار و نوآوری خودشان علوم را به این حدی که می بینیم رسانده اند، امام رضوان الله علیه نیز در بحث ولایت فقیه نوآوری هائی دارد که یکی از آنها این بحث است که در اسلام برای امام یک قدرت مالی کثیری قرار داده شده و مسلماً امام این اموال را برای خودش بر نمی دارد و در روایات نیز داریم که این اموال به وارثان نمی رسد بلکه متعلق به مقام امامت می باشد، حالا این قدرت مالی به این کثرت دلیل بر این است که امام باید حکومتی ترتیب بدهد و در واقع تشکیلات حکومت است که چنین مخارج و بودجه ای را لازم دارد، خلاصه اینکه امام رضوان الله علیه از زیادی مبلغ خمس و امثاله می خواهد کشف کند که فقیه با قدرت اقتصادی که از جمع آوری خمس بدست می آورد باید حکومت اسلامی ترتیب بدهد زیرا حکومت اسلامی است که دارای این همه مخراج و هزینه و بودجه می باشد و دیروز کلام ایشان در مورد خمس را عرض کردیم.

خوب و اما زکات و انفال نیز همین طور است و به همین بحث ملحق می شوند البته امام رضوان الله علیه انفال را ذکر نکرده، حالا ما قبل از ورود به بحث انفال مطلبی درباره اینکه حاکم اسلامی باید سعی کند فقر و ظلم و جهل را از میان بردارد عرض کردیم یعنی باید جامعه ای بوجود بیاورد که در آن از ظلم و فقر و جهل خبری نباشد فلذا به مناسبت وارد بحث فقر شدیم تا فرهنگ اسلام در این رابطه را نشان بدهیم.

گفتیم که فقر یک امر عارضی است و اگر آن برنامه ای که اسلام قرار داده عملی شود ریشه کن می شود، اسلام راههائی را برای فقر زدایی نشان داده است من جمله اینکه

اولاً خود فقیر باید سعی کند تا خودش را از فقر نجات بدهد بعلاوه یک ارزش روحی مهم در اینجا وجود دارد و آن صبر فقیر است یعنی فقیر باید صبر و تحمل داشته باشد و به ارتکاب خلاف شرع روی نیاورد، ثانیاً مردم وظیفه دارند در معاشرتشان به فقیر بواسطه ی فقرش با نظر حقارت نگاه نکنند بلکه بر اساس فرهنگ اسلام با فقیر نیز مثل بقیه افراد رفتار کنند، ثالثاً حاکم و والی نیز اولاً باید زندگی خودش را با فقرا یکسان قرار بدهد و حضرت امیر علیه السلام در این رابطه فرمودند: ﴿إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَرَضَ عَلَى أئِمَّةِ الْعِدْلِ أَنْ يُقَدِّرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ كَيْلًا يَتَبَيَّعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ﴾^۱ و همچنین حضرت در نامه ای که به عثمان بن حنیف نوشتند او را بخاطر شرکت در مجلس اغنیاء مذمت کردند، خلاصه اینکه اولین وظیفه والی و حاکم این است که باید زندگی خودش را هم سطح فقرا قرار بدهد، ثانیاً باید به فقرا توجه بیشتری کند و باز حضرت امیر علیه السلام در نامه ای که به مالک اشتر نوشتند فرمودند؛ ای مالک توجه تو به فقرا بیشتر از همه باشد آن فقری که همسایه توست با آن فقری که در آخر سیستان و بلوچستان است یکسان هستند و حضرت در آخر کلامشان می فرمایند البته بر ولایة خیلی سنگین است که نگاهشان به همه فقرا یکسان باشد. خوب و اما بحث امروز ما درباره کار است، چند مطلب درباره کار وجود دارد:

مطلب اول: کار و قدرت اقتصادی در اسلام باعث عزت و ترک آن باعث سقوط و ذلت می باشد لذا هر کس در حق خودش باید کاری انجام بدهد روایت داریم خداوند آدم بیکار و تنبل را دوست ندارد.

روایاتی را از وسائل الشیعة در این رابطه عرض می کنیم؛ خبر اول: ﴿وَيَأْسَنَادُهُ عَنْ الْمُعَلَّى بْنِ خَنِيسٍ قَالَ، رَأَى أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَقَدْ تَأَخَّرَتْ عَنِ السُّوقِ، فَقَالَ، أَعْدَ إِلَى عَزِّكَ﴾^۲.

^۱ نهج البلاغه، تنظیم مرحوم دشتی، ص ۲۱۹.

^۲ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳، ابواب مقدمات تجارت، باب ۲، حدیث ۲، ط الاسلامیة.

موسى عليه السلام، من طلب هذا الرزق من حله ليعود به على نفسه وعياله كان كالمجاهد في سبيل الله الحديث^۵.

شيخ اعظم انصارى با آن مقام وقتى كه مكاسب را نوشت دید خیلی روایت درباره کسب و کار داریم از این جهت يك حجره ای برای خودش در اول مدرسه درست کرد تا هر روز مقداری تجارت و کسب کند و بعد درس بگوید!

خبر دوم: ﴿وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ أَبِي عمير، عن عبد الله بن المغيرة عن محمد بن الفضيل، عن أبي حمزة، عن أبي جعفر عليه السلام قال، من طلب الدنيا استغففا " استغناء ثواب " عن الناس وسعيا على أهله وتعطفا على جاره لقي الله عز وجل يوم القيامة ووجهه مثل القمر ليلة البدر^۶﴾.

خبر سوم: ﴿وَعَنْهُمْ، عَنْ سَهْلَ بْنِ زِيَادٍ، عَنْ ابْنِ محبوب، عن أبي خالد الكوفي رفعه عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: العبادة سبعون جزءاً أفضلها طلب الحلال^۷﴾.

خبر چهارم: ﴿وَفِي (الأمالي) عن جعفر بن علي بن الحسن، عن أبيه، عن جده عبد الله بن المغيرة، عن إسماعيل بن مسلم، عن الصادق جعفر بن محمد، عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من بات كالأخسته من طلب الحلال بات مغفوراً له^۸﴾.

خبر پنجم: ﴿وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبِي طَالِبِ الشَّعْرَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مَعْلَى بْنِ خَنِيْسٍ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ وَأَنَا عَنْدهُ فَقِيلَ: أَصَابَتْهُ الْحَاجَةُ، قَالَ: فَمَا يَصْنَعُ الْيَوْمَ؟ قِيلَ: فِي الْبَيْتِ يَعْبُدُ رَبَّهُ، قَالَ: فَمِنْ أَيْنَ قُوَّتُهُ؟ قِيلَ: مِنْ عِنْدِ بَعْضِ إِخْوَانِهِ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ لِلَّذِي يَقُوَّتُهُ أَشَدُّ عِبَادَةً مِنْهُ^۹﴾.

خبر دوم: ﴿وَعَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى وَغَيْرِهِ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ ابْنِ أَبِي عمير عن علي بن عطية، عن هشام بن أحمر قال، كان أبو الحسن عليه السلام يقول لمصادف: اغد إلى عرك أعني السوق^۳﴾.

خبر سوم: ﴿مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى، عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَقْبَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِمَوْلَى لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ احْفَظْ عِرْكَ، قَالَ: وَمَا عِزِّي جَعَلْتَ فِدَاكَ؟ قَالَ: غَدُوكَ إِلَى سَوْفِكَ وَإِكْرَامِكَ نَفْسِكَ^۴﴾.

از روایات مذکور معلوم می شود که کار وسیله عزت و عظمت و اقتدار انسان می باشد.

خوب و اما همان طور که عرض شد ترک کار موجب ذلت است، حدیثی در سفینه البحار در ماده "تاء" از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که حضرت در مورد معاشرت فرمودند: ﴿أَمْسِنَ عَلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَهُ، وَاسْتَغْنِ عَنْ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ وَاحْتِجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ﴾، بنابراین یکی از چیزهایی که برای انسان اسارت و ذلت می آورد احتیاج است و این یک قضیه شخصی نیست بلکه هر جامعه ای که محتاج به دیگری باشد اسیر اوست لذا برای نجات از اسارت باید با توجه امکانات و استعدادها در داخل طوری برنامه ریزی شود که به کسی احتیاج نداشته باشیم و اگر مثلاً تحریم شدم لطمه ای به اقتصاد و زندگی و معاش ما وارد نشود کما اینکه رهبر معظم انقلاب دامت برکاته نیز همین را می فرمایند.

مطلب دوم: شارع مقدس برای کار کردن فضیلت و ثواب بسیاری قرار داده است.

روایاتی را از وسائل الشیعة در این رابطه عرض می کنیم؛ خبر اول: ﴿وَعَنْ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ، عَنْ مُوسَى بْنِ بَكْرِ قَالَ، قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ

^۵ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۱، ابواب مقدمات تجارت، باب ۴، حدیث ۴، ط الاسلامیة.

^۶ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۱، ابواب مقدمات تجارت، باب ۴، حدیث ۵، ط الاسلامیة.

^۷ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۱، ابواب مقدمات تجارت، باب ۴، حدیث ۶، ط الاسلامیة.

^۸ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۳، ابواب مقدمات تجارت، باب ۴، حدیث ۱۶، ط الاسلامیة.

^۹ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۴، ابواب مقدمات تجارت، باب ۵، حدیث ۳، ط الاسلامیة.

^۳ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۴، ابواب مقدمات تجارت، باب ۲، حدیث ۱، ط الاسلامیة.

^۴ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۵، ابواب مقدمات تجارت، باب ۲، حدیث ۱۳، ط الاسلامیة.

خبر دوم: ﴿وعن علي بن محمد رفعه قال: قال أمير المؤمنين عليه السلام: إن الأشياء لما ازدوجت ازدوج الكسل والعجز، فنجا بينهما الفقر﴾^{۱۴}.

خبر سوم: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن عمر بن يزيد، عن أبي عبد الله عليه السلام إنه قال: إياك والضجر (رها کردن کار در وسطش انجام آن) والكسل إنهما مفتاح كل سوء إنه من كسل لم يؤد حقاً ومن ضجر لم يصبر على حق﴾^{۱۵}.

روایات درباره موضوعاتی که بیان کردیم بسیار زیاد هستند و ما نمونه هائی را خدمتان عرض کردیم.

امام رضوان الله علیه در صحیفه نور جلد ۱۶ از صفحه ۲۳۲ به بعد در اردیبهشت سال ۶۱ در روز جهانی کارگر در سخنرانی که برای کارگران داشتند اینطور فرمودند:

قدر کار را بدانید آدمهائی که اهل کار هستند هم سالمند هم نشاط دارند اما آدمهای بیکار و خوش گذران و عیاش اند نوعاً مریض و تنبل و خسته هستند، اگر دوجلسه درست کنیم که یکی از آنها مال کارگان باشد و در جنب آن جلسه اعیان و اشراف باشد وقتی به چهره ها نگاه کنید می بینید که آدمهای کارگر بسیار پر نشاط هستند اما اعیان و اشراف بسیار خسته و افسرده هستند که گاهی به افعال خلاف شرع پناه می برند و شاعر نیز می گوید: إن الشباب والفراغ والجدّة *** مفسدة للمرء أي مفسدة.

امام رضوان الله علیه در ادامه روایت مشهور نبوی: ﴿إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ يَدَأُ وَرَمَتْ مِّنْ كَثْرَةِ الْعَمَلِ﴾ را توضیح می دهد و می فرماید پیغمبر فقط دست کارگر را نبوسیده بلکه در واقع پینه های دست کارگر که همان نشانه و نتیجه ی کار اوست را بوسیده است.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالى ...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

خبر ششم: ﴿وعن علي، عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن إسماعيل بن محمد المنقري، عن هشام الصيدناني قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: يا هشام إن رأيت الصنفين قد التقيا فلا تدع طلب الرزق في ذلك اليوم﴾^{۱۶}.

همان طور که دیدید روایات مذکور بر اهمیت و ثواب و فضیلت کار دلالت داشتند.

مطلب سوم: تجارت بسیار مهم است و روایات فراوانی در مورد آن داریم من جمله این اخبار: ﴿البركة عشرة أجزاء، تسعة أعشارها في التجارة﴾.

﴿من طلب التجارة إستغنى عن الناس﴾.

﴿التجارة تزيد في العقل﴾.

﴿دخلت على أبي عبد الله عليه السلام فسالنا عن عمر بن مسلم ما فعل؟ فقلت: صالح ولكنّه قد ترك التجارة؟ فقال أبو عبد الله عليه السلام: عمل الشيطان ثلاثاً﴾^{۱۷}.

تجارت فقط خرید و فروش نیست بلکه تولید و عرضه و سپس پول در آوردن همگی تجارت می باشند خلاصه اینکه در مورد تجارت و همچنین زراعت روایات فراوانی داریم که در همان جلد ۱۲ وسائل الشیعة ۲۰ جلدی از صفحه ۳ به بعد ذکر شده اند که مختصری از آنها به عرضتان رسید.

مطلب چهارم: کسی که قدرت کار دارد نباید زحمتش را به گردن دیگران بیاندازد بلکه باید برود و کار کند لذا در خبر ذکر شده: ﴿قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ملعون من ألقى كله على الناس﴾^{۱۸}.

مطلب پنجم: افراد تنبل و پرخواب و بیکار و کسل در روایات اهل بیت علیهم السلام مذمت فراوانی شده اند.

روایاتی را از وسائل الشیعة در این رابطه عرض می کنیم؛ خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين قال: قال: أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام إن الله تعالى ليغض العبد النوم، إن الله ليغض العبد الفارغ﴾^{۱۹}.

^{۱۴} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۴، ابواب مقدمات تجارت، باب ۵، حدیث ۴، ط الاسلامیة.

^{۱۵} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۶، ابواب مقدمات تجارت، باب ۲، حدیث ۵، ط الاسلامیة.

^{۱۶} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۸، ابواب مقدمات تجارت، باب ۶، حدیث ۱۰، ط الاسلامیة.

^{۱۷} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۷، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۷، حدیث ۴، ط الاسلامیة.

^{۱۴} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۸، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۸، حدیث ۷، ط الاسلامیة.

^{۱۵} وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۳۹، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۹، حدیث ۳، ط الاسلامیة.